

طنز چیست؟

فرزانه بهنام زاد

کارشناس زبان و ادب فارسی و دبیر ادبیات دبیرستان‌ها و مراکز پیش‌دانشگاهی اصفهان

چکیده

هر طنزی خنده‌دار است اما هر نوشته خنده‌داری طنز نیست و ممکن است هجو، هزل یا فکاهه باشد. با توجه به اینکه در کتاب‌های دبیرستان این اصطلاحات به کار رفته است، لازم دیدیم توضیحی هر چند مختصر در باب آن‌های بیان کنیم.

در این نوشته کوتاه سعی بر این است که تعاریف طنز بیان شود و تفاوت طنز با هجو و هزل مطرح گردد. همچنین، تا جایی که توان و قلم یاری می‌کند، طنزپردازان معرفی گردند و نمونه‌هایی از مطالب طنزآمیز ارائه شود.

کلیدواژه‌ها: طنز، هجو، هزل، فکاهه

مفهوم طنز

ادب انتقادی نوعی از ادبیات متعهد و مسئول است که نویسنده را و می‌دارد تا به امید اصلاح و تغییر نگرش فرد و جامعه به مسائل اجتماعی بنگرد و آن‌ها را بازیابی شیرین، و چه بسا تلخ و در قالب انتقاد بیان کند.

یکی از انواع ادب انتقادی طنز است و طنزپرداز متعهد با دیدن بیماری‌ها، ضعف‌ها و کاستی‌های اجتماعی، همانند پزشکی حاذق، برای درمان این بیماری‌ها و حتی قطع عضو فاسد آن از تیغ برنده طنز مدد می‌گیرد و در عین حال، لبخندی آرامش‌بخش نیز بر لب‌های نشاند تابیش و نوش را در هم آمیزد و درمان را سرعت بخشد.

طنزپرداز نکته‌یاب، عیب‌ها و مفاسد

انتقادی، در تمام دوران‌ها دیده می‌شود ولی رواج آن در ادب فارسی مقارن است با دوره‌های آشفته تاریخ ایران یعنی قرن‌های ششم و هفتم و هشتم. پیش از آن هجو و هزل رایج بوده که غالباً هم جنبهٔ شوخی و هم تعرّض به مخالفان داشته است اما رکاکت و زشتی آن‌ها به دوره‌های بعد نمی‌رسد.

هدف از طنز خنده‌دانن نیست بلکه نیشخند است که غالباً کایه‌آمیز و توأم با خشم و قهری است که با نوعی شرم و خوبی‌شن داری همراه می‌شود. طنز خنده‌اور اما عبرت‌آموز است و نارواستیز. بنای آن شوخی و خنده است اما نه خنده شادمانی بلکه خندهای تلخ، جدی و دردنگ، همراه با سرزنش و کموبیش زننده و نیش‌دار که با ایجاد ترس و بیم، خط‌اکاران را به خطای خود متوجه می‌سازد و معابد و نواقصی را که در حیات اجتماعی پدید آمده است، برطرف می‌کند.

بررسی تفاوت‌های طنز با هزل و هجو

طنز در پرده است و متین، در حالی که هجو صریح است و وقیح. طنز نوعی تنبیه اجتماعی است و هدف آن اصلاح و تزکیه است نه مدح، نه ذم و قدح و مردم‌آزاری. هزل بر رکاکت لفظ و دشنام و عدم رعایت عفت کلام توأم است و قصد شاعر در بیان آن ایجاد خنده و مسخره کردن است اما اگر در طنز خنده‌ای باشد، خنده علاقه و دلسوزی است. ناراحت می‌کند اما ممنون

جامعه را معمولاً بزرگ‌تر از آنچه هست جلوه می‌دهد و این بزرگ‌نمایی لازمه کار اوست؛ زیرا به وسیله آن، مخاطب را به تفکر و چاره‌اندیشی برمی‌انگیزد. طنزپرداز می‌کوشد به جای استفاده از جمله‌های مستقیم و جدی، دیدگاه‌های خود را به طور غیر مستقیم، مطابیه‌آمیز و کنایه‌آمیز، اما مؤثر و گیرا بیان کند.

ابزار اصلی طنزپرداز زبان هنرمندانه است. او این زبان را برای خلق اندیشه‌های طریف یا نظریه‌گویی بر سرودهای مشهور، ضربالمثل‌ها، اصطلاحات و تعبیرات مربوط به عرف و آداب و رسوم قشرهای گوناگون جامعه به کار می‌گیرد و با آشنایی‌زدایی و هنجارشکنی مطلوب و مطبوع، سخنی دیگر می‌افزیند تا سخن قدیم راجه‌های نو پوشاند و تأثیر بیشتری در خواننده و شنونده بگذارد.

در مقام تشبیه، قلم طنزنویس و زبان طنز‌گو به منزله کارد جراحی است نه چاقوی آدم‌کشی؛ زیرا با همهٔ تیزی و برندگی اش نه تنها کشتنده نیست بلکه موجب بازگشت تندرستی به بدن است. طنزنویسی و طنزسرایی کار هر نویسنده و شاعری نیست. این هنر علاوه بر استعداد نویسنده‌گی و شاعری و خوش‌فهمی و هوشیاری، ظرافت طبع می‌خواهد. نتیجه‌این ظرافت را می‌توان در تأثیر اشعار طنزآمیز یافت که در عین سادگی، موجبات انبساط خاطر خواننده را فراهم می‌سازند.

اثار انتقادی، بهخصوص سرودهای

موشان بر سپاه گربگان و به دار آویخته
شدن گریه ریاکار.

این قصه بسیار شیرین که در سراسر
مالک فارسی زبان شهرتی تمام یافته و
تعدادی از ایات آن حکم مثل سایر پیدا
کرده است، مسلمًا به یک واقعه تاریخی
اشارة دارد و مانند سایر نوشته‌های عبید،
برای انتقاد به اوضاع زمان و پاره‌ای از آداب
و مراسم معمولی آن روزگار، نگاشته شده
اما درست معلوم نیست که در به نظر
کشیدن آن، نظر عبید به چه واقعه‌ای
بوده است. البته در مجموع، می‌توان
چنین دریافت که تعصب وزیدن و
ریاکاری پادشاهانی مانند امیر مبارز الدین و
محمد مظفری وجود ظلم و جور و حیله
و تزویر بعید نیست که ذهن لطیف عبید را
متاثر ساخته و او را به نظم داستان موش
و گریه و اداسته باشد؛ زیرا مشاهده چنین
اوضاع و احوالی برای صاحبان ذوق بسیار
مشکل است و آن‌ها را به انتقاد و اعتراض
وا می‌دارد.

نکته‌جوبی و شناختن نقایص و مظاهر
مضحك و متناقض زندگی مردم، از همه
کس برنمی‌آید و زایدۀ استعداد ذاتی
است و چشم بصیرت عبید از این موهبت
برخوردار بوده است. از طرفی، ابتکار عبید
چشم‌گیر است. او در هر بابی طرحی نو
اندیشیده و چنان ابداع معانی کرده است
که خواننده نوشتۀ او را تا پایان می‌خواند.
نوشته‌های عبید از لحاظ لطف بیان و نیز
قدرت تعبیر در اوج بلاغت‌اند.

او لطیفه‌ها و بذله‌گوبی‌های هزل آمیز خود
را به صورت تازیانه‌ای بر پیکر زمانه و محیط
خود می‌نوازد. خنده اوت رترحم و استهزا‌ای
است که از سرا پایش انتقام‌خواهی نمایان
است و نباید اورا در شمار هزاران و
هجوگویان شمرد.

بخش عظیمی از دیوان انوری را هزل و
هجو تشکیل داده است. انوری در هجوبات
خود بیشتر به افرادی می‌پردازد که به اشعار
ونامه‌هایش بی‌توجه بوده یا با وی مخالفت
می‌ورزیده‌اند. در دیوان سوزنی سمرقندی
نیز اشعاری به طنز دیده می‌شود. نوعی
طنز اجتماعی همراه با خردگیری رندانه
در آثار شاعران و نویسنده‌گان صوفی

گرسنگان و فقرزدگان را با زبانی طنزآلود
بیان می‌کند.

در «مصیبیت‌نامه» عطار و «مثنوی» مولانا
از این تمثیلات طنزآمیز و ظریف فراوان
است. آن‌ها را به شیوه‌ای رندانه در اشعار
حافظه هم می‌توان یافت. برداشت من
چنین است که تا این پایه سخن هنری و
مؤثر در دوره‌های بعد یافت نشده است. به
هر حال، اندیشه انتقاد در شعر فارسی در
قرن هفتم و هشتم شدت بیشتری دارد.

اشعار حافظ لحنی گزندۀ و تلح همراه
با نیش‌خند و کایه دارد اما مایه‌هایی از
خیرخواهی و اصلاح‌طلبی در آن‌ها دیده
می‌شود. او با رندی و هوشیاری و فرزانگی
شیوه‌ای نو برای مبارزه با نابسامانی و
بداخلاقی برگزیده است که تازگی دارد.

Ubید زارکانی، شاعر و نویسنده طنزپرداز
و شوخ طبع سده هشتم، در انتقادهای
ظرفی اجتماعی جلوه‌گری می‌کند.
سخنان او اغلب خنده‌آور و رکیاند و
در پس آن‌ها پیامی خیرخواهانه نهفته
است که از چشم روشن بینان پنهان
نمی‌ماند. گاهی زبان طنز در نوشته‌های
او برواست؛ بهطوری که نمی‌توان این
سخنان را در همه جانقل کرد. اما شاید
این تندی واکنشی در برابر شدت فساد
و تباہی روزگار شاعر باشد. در حقیقت،
میزان فساد اخلاق در آن زمان به حدی
بالا بوده که جز با همین زبان تلح و گزندۀ
نمی‌شده است آن را بیان یا در دفع آن
چاره‌جویی کرد.

از عبید اثاری منثور و منظوم به جا مانده
است که مهارت او را در ترسیم اوضاع
نابسامان اخلاقی و فرهنگی زمان خویش
نشان می‌دهند. از مهم‌ترین آثار طنز او
می‌توان مثنوی «موش و گریه» را نام برد.
این مثنوی حکایتی تمثیلی است که عبید
در آن، وضع جامعه و دو طبقه حاکمان و
قاضیان را مورد انتقاد قرار می‌دهد. این اثر
را می‌توان کاملاً سیاسی دانست.

«موش و گریه» قصه بزرگی است در
شاعران و نویسنده‌گان ادب انتقادی
اندیشه و تفکر و امی‌دارد.

هزل نگرشی منفی برای تحریب
شخصیت است، با زبانی تند همراه با
ناسرگویی و کلمات رکیک؛ در حالی که
طنز هدف دیگری دارد و آن، اصلاح و
سازندگی است. به نظر من می‌توان چنین
نتیجه گرفت:

۱. هجو در برابر مرح قرار دارد و هزل در
برابر جد.
۲. هجو: به تم‌سخر گرفتن عیب‌ها و
نقص‌ها به منظور تحقیر از روی غرض
شخصی
۳. طنز: به تم‌سخر گرفتن عیب‌ها و
نقص‌ها به منظور تحقیر از روی غرض
اجتماعی.
۴. هزل: شوخی رکیک به منظور تفریح
و شادی.
۵. فکاهه: شوخی معتل به منظور تفریح
و شادی.

شاعران و نویسنده‌گان طنزپرداز

شاعران و نویسنده‌گان ادب انتقادی
فارسی از گذشته تا امروز آن چنان شاخص
و ممتاز باقی مانده‌اند که کسی نتوانسته
است در مقام طنز و انتقاد اجتماعی به پای
آن‌ها برسد. به خصوص، در شعر شاعران
که نمونه‌های بارزی از هجو و هزل نسبت
به مدعیان و جاهجویان درباری و سایر
طبقات مردم یافت می‌شود. از سرایندگان
شعر اجتماعی و انتقادی مؤثر در تاریخ
شعرای ایران از سیف فرقانی می‌توان نام
برد که عملکرد طبقه مرفه و حاکم عصر
خویش را نقد می‌کند.

«لطایف الطوایف» از شیخ‌علی‌صفی
مجموعه‌ای از لطیفه‌ها و شوخی‌ها و
نکته‌گوبی طبقات گوناگون، در نوع خود
نفر و ممتاز است. مطالعه آن سبب مسرت
خاطر می‌شود و بر معرفت ما می‌افزاید.
علاوه بر این، تأثیری خاص و در خور توجه
و دقایق بسیاری دارد.
ابواسحق اطعمه با وصف طعامها و بیان
لذایذ آن‌ها و با استقبال و جواب‌گوبی
و تضمین اشعار پیشینیان، آرزوهای

«همین الان هم که داریم با پا و دست
شکسته بک ترجمه دست و با شکستهای
از اشعارشان می‌کنیم، کلی هنر کرده‌ایم!
حال آنکه می‌توانستیم برویم مرخصی
استعلامی گرفته «حروف حساب» هم
زنیم تا چه رسد به تنبعات ادبی!»

نمونه‌هایی از طنز در ادبیات چهار سال دیبرستان
در آثار منتقدان به حکایت‌هایی کوتاه بر می‌خوریم که در آن‌ها پلیدی‌ها و عیوب طبقات مختلف جامعه با اطرافت و استادی، بزرگ‌نمایی، نقد و داوری شده است؛ مثل بیت زیر از کتاب متون نظم و نثر دوره پیش‌دانشگاهی که در آن انتقاد شاعر از حاکمان نادانی است که قدرت تشخیص ندارند و به نظر من در عین حال نوعی هجو هم است.

چون که بی تمیزیان مان سرورند
صاحب خر را به جای خر برند (از متون نظم و نشر پیش‌دانشگاهی، ص ۱۵۴، برگرفته از دفتر پنجم مثنوی)
کتاب ادبیات فارسی ۲ پیش‌دانشگاهی به وضع نابسامان اقتصادی اشاره دارد و از طبقات مرفه جامعه انتقاد می‌کند:

چواب درویش به پسر درباره جنازه‌ای که در راه می‌برند. «گفت: به جایی که خوردنی و پوشیدنی و نان و آب و .. نباشد و پسر می‌گوید: شاید او را به خانه‌ما می‌برند.» (ادبیات فارسی ۲ پیش‌دانشگاهی، ص ۱۵۵ برگرفته از رساله دلگشا عبید زاکانی) در کتاب ادبیات سال دوم، جمالزاده در داستان کباب غاز صورت و سیرت ناپسند: مصطفی را بالحنی کنایه‌آمیز بیان می‌کند: «گفتم: به من دخلی ندارد. ماشاء‌الله هفت قرآن به میان، پسرعموی خودت است.» یا عبارت: «آقا و اتریقیده‌اند.»

درس «مشروطه خالی» که به نثری ساده نوشته شده، بیانگر این است که نمایندگان (وکیلان) تحملی و فرمایشی به مجلس راه می‌بینند و چهره‌های مردمی مجلس در ازوا قرار می‌گیرند و نویسنده از این قضیه به شدت متأثر و آشفته است.

«حالاتازه‌می‌فهمند که روی صندلی‌های

مسائل فرهنگی جامعه می‌پردازد.
مقاله انتقادی «جواب دندان‌شکن» از اطفعایی صورتگر، نویسنده منتقد و طنزپرداز معاصر، می‌باشد. نویسنده در این مقاله با بیانی ساده و شیرین به یکی از معايیت اجتماعی یعنی پرگویی و یاوه‌گویی پرداخته و راه اصلاح آن را با آمیخته‌ای از طنز و جد بیان کرده است.

علاوه بر این‌ها طنزپردازانی چون جمالزاده، ملک‌الشعراء‌بهار، ادیب‌الممالک فراهانی، میرزاوه عشقی، ایرج میرزا، وحید دستگردی و پروین اعتضامی مورد توجه‌اند.

نوعی شعر انتقادی نیز، که به شعر پرخاشگر مشهور است، در دوره مشروطه رایج می‌شود. شاعران در این‌گونه شعرها تنده و پرخاش‌گونه از اوضاع سیاسی و اجتماعی انتقاد می‌کنند. آن‌ها با دلیری، هوشیاری و صداقت شگفت‌انگیز خود به وسیله سلاح طنز و تماسخر به جنگ مقاصد و نابسامانی‌های اجتماع و زمان خود می‌روند و از غارت و چپاول خان‌ها و فئodal‌ها و شوربختی کشاورزان ایرانی و گرسنگی، فقر، بی‌سودایی، وطن‌فروشی برخی از رجال سخن می‌گویند.

از جمله مجله‌های این دوره، مجله گل‌آقا که مجله‌ای با شعر و نثر و کاریکاتور و طنز مصور است، با چند ویژگی ممتاز می‌شود: ۱. بهره‌گیری از تجاهل العارف و غلط‌نویسی تعمدی که خواننده را غافل‌گیر می‌کند؛ در حالی که انتقادهای عبید در قالب طنز به زبانی خوب بیان شده است.

سبک دهخدا در نوشت‌های طنزآمیز (در چرند و پرند) خود ادامه شیوه عبید، شاعر طنزپرداز و همشهری اوست. نشر دهخدا در

بهره‌گیری از اصطلاحات محاوره و فرهنگ عامیانه بسیار مشهور است و تکیه‌کلام‌ها و کنایات عامیانه در آن دیده می‌شود. طنز او کاملاً سیاسی و ریشه‌ای است. در طنز

معاصر زبان به نثر معیار نزدیک می‌شود و موضوع، مسائل جزئی و روزمره است. ۴. اجتناب از طنز سطحی و مبتذل ۵. دقت در حفظ حریم ارزش‌های مکتبی و اعتقدای و پرهیز از زبان هزل و هجو.

شهرت و محبوبیت طنز گل آقا، نخست با

دیده می‌شود که گاه از زبان مجذوبان و دیوانگان در قالب داستان‌ها و حکایت‌های دلنشیان بیان شده است.

شاعران و نویسنده‌گان طنز بعد از انقلاب مشروطه

با ظهور انقلاب مشروطه، ادبیات انتقادی و



طنز‌آلدرونق و گسترش بیشتری می‌یابد. در این دوره، پیش‌گامی شعر طنز‌آلدronق سید اشرف‌الدین گیلانی است. روزنامه فکاهی و عامیانه «تسیم شمال» به واسطه اشعار ملیح، عامیانه، بدون تکلف و انتقادی سنجیده ولی به ظاهر مطابقه و فکاهی در مورد سیاست وقت، معروف بوده است. در این روزنامه، مسائل جدی به صورت طنز و



طعن و کنایه بیان شده و به نوعی است که هر کس از توده مردم آن را می‌خواند یا می‌شنیده می‌دیده است که سرازینه درد دل او و امثال او را بیان کرده و از زبان او سخن گفته است. در ادب معاصر و در



طنز سیاسی، یعمای جندقی معروف است. او که به سبب هجوها و هزلیات نیش‌دار شهرت یافته است، فجایع و مظالم عصر خویش را ضمن هزل‌ها و هجوهای تنده و بی‌پروا بر ملا می‌کند و فساد اجتماعی روزگار خود را نشان می‌دهد. هزلیات او عیب‌جویی از کردارهای رشت معاصران است. یغما در هزل با زبانی تنده و بد انتقاد



می‌کند؛ در حالی که انتقادهای عبید در قبال طنز به زبانی خوب بیان شده است. سبک دهخدا در نوشت‌های طنزآمیز (در چرند و پرند) خود ادامه شیوه عبید، شاعر طنزپرداز و همشهری اوست. نشر دهخدا در بهره‌گیری از اصطلاحات محاوره و فرهنگ عامیانه بسیار مشهور است و تکیه‌کلام‌ها و کنایات عامیانه در آن دیده می‌شود. طنز او کاملاً سیاسی و ریشه‌ای است. در طنز معاصر زبان به نثر معیار نزدیک می‌شود و موضوع، مسائل جزئی و روزمره است. در دوره مشروطه، زندگی ایرانیان به صورتی انتقادی و با نثری ساده و آکنه از ضرب‌المثل و اصطلاحات عامیانه بیان شده است.



جلال رفیع، نویسنده و روزنامه‌نگار معاصر، در نوشت‌های خود با زبانی طنز به اطلاعات آغاز شد:

هیئت‌رئیسه را پهنهای شکم مقاخرالدوله و ... پر می‌کند و چهار تا وکیل حسایی هم که داریم، بی‌چاره‌هاز ناچاری چار چنگول روی قالی روماتسیم می‌گیرند.»

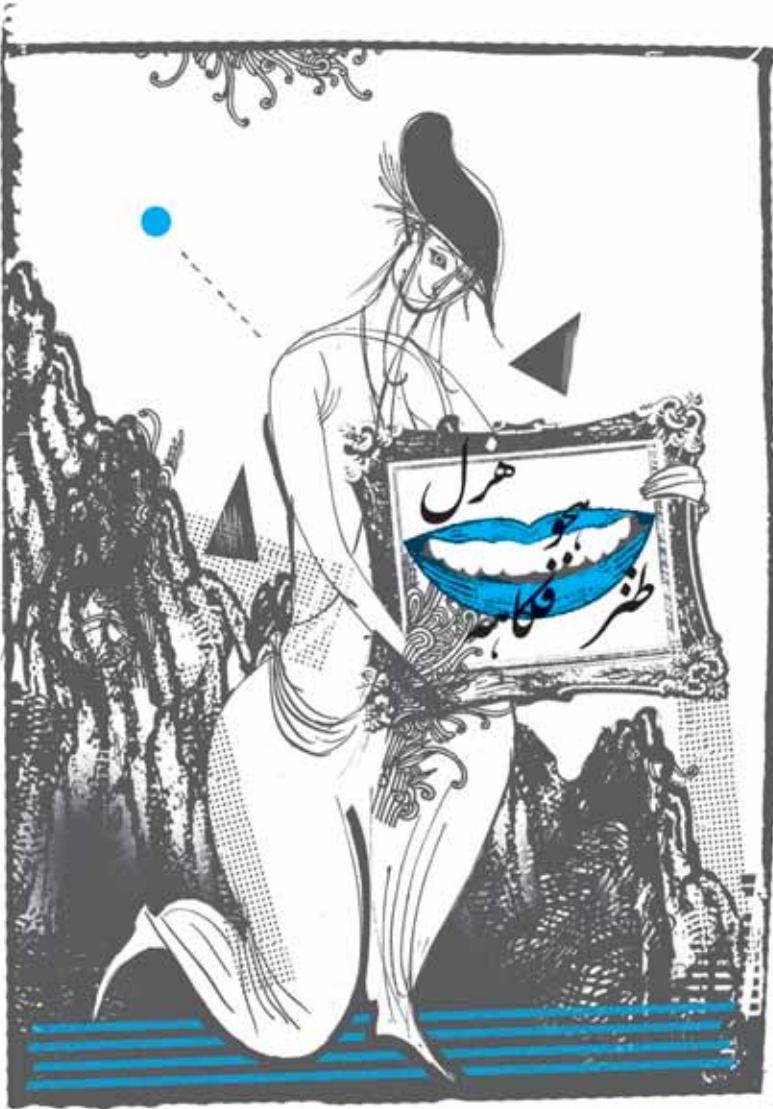
چنین برداشت می‌شود که نویسنده به عمد از این جملات استفاده کرده است که برای همه قابل فهم باشد و بتواند اوضاع جامعه را ترسیم کند و راهی برای مبارزه بیابد.

پرحرفی در حالت عادی یا به صورت سخنرانی یک مشکل اجتماعی است و باید با رعایت اصول ادب با آن مبارزه کرد. این کار را جلال رفیع در کتاب ادبیات فارسی دوم در درس «مایع حرف‌شویی» به شکلی خیلی زیبا انجام داده است. نویسنده پرگویی را یکی از آفت‌های اجتماعی معرفی می‌کند و می‌گوید: «گمان می‌کنم فن خطابه در اعصار گذشته، اسب فصاحت در میدان بلاغت راندن و به جولان درآوردن است؛ یعنی خطیب، سواره و مستمعان پیاده بوده‌اند! خطیب بر مرکب چموش سخن سوار می‌شود، البته قبل از آن سال‌ها تمرين کرده تا مرکب چموش را به مرکب خموش تبدیل کند و سمند سخن را در میدان ذهن مستمعان به جولان درآورد. گاهی با خود می‌گوییم کاش یک نوع مایع حرف‌شویی اختراع می‌شود.» (ادبیات دوم: ۱۲۰)

در متون سال چهارم یک نمونه طنز بیان شده که بسیار دلنشیں است. نویسنده در این متن از افراد خسیس انقاد می‌کند و می‌گوید: «هر چند خسیس در پی پنهان کردن خست خویش است ولی دیگران این صفت را در او آشکارا می‌بینند.» «خواجه طبقی انجیر در زیر دستار پنهان کرد و از

ظریفی خواست قرآن بخواند. ظریف بنیاد کرد که: والزیتون و طور سنتین. خواجه گفت: «والتبین» کجا رفت؟ گفت: در زیر دستار. (ادبیات پیش‌دانشگاهی، ص ۱۵۶، از لطایف الطوایف فخر الدین علی صفوی) طنز «تولدی دیگر» به قلم مسعود کیمیاگر که در مجله گل آقابه چاپ رسیده است. در این نوشته، نویسنده یکی از مشکلات اجتماعی را بیان کرده و آن ریاکاری است که به شکل‌های مختلف در همه اقسام جامعه دیده می‌شود:

«ای پدر، به دعوت سلطان در طعام نخوردی؟ گفت: در نظر ایشان چیزی نخوردم که به کار آید. گفت: نماز را هم قضا کن که چیزی نکردی که به کار آید. (ادبیات سوم، برگرفته از گلستان سعدی) ۴۵ حکایت و طنز از نادر ابراهیمی، نویسنده و طنزپرداز ایرانی، به جا مانده است؛ از جمله: سه



پی‌نوشت

سیف فرغانی منتقد قرن هشتم، سوزنی سمرقندی شاعر قرن ششم، سید اشرف‌الدین حسینی معروف به نسیم شمال.

منابع

۱. یوسفی، غلامحسین؛ دیداری با اهل قلم
۲. عبیدزاکانی؛ کلیات، به قلم عباس اقبال اشتبانی
۳. صفا، ذیح الله، گنج سخن
۴. اسدی‌پور، پیشون؛ طنز آوران امروز ایران
۵. یوسفی، غلامحسین؛ چشمه روش
۶. عبیدزاکانی؛ موش و گربه
۷. صابری، کیومرث، مجله گل آقا
۸. فخر الدین علی صفوی؛ لطایف الطوایف

ماهی در آبگیر.

هنر طنزپردازی رسول پرویزی در کتاب «شلوارهای وصله‌دار»، در «قصه عینکم» کاملاً جلوه‌گر می‌شود: «دسته‌های عینک سیم و نخ قوزبالاً بود و هر پدر مرده مصیبت‌دیده‌ای را می‌خنداند. چه برسد به شاگردان مدرسه‌ای که بی‌خود و بی‌جهت از ترک دیوار هم خنده‌شان می‌گرفت.» (زبان فارسی پیش‌دانشگاهی، قصه عینکم) صادق چوبک طنزپرداز دیگری است و اثر مشهور او «خیمه‌شب‌بازی» نام دارد.

«فکاهیات حالت» طنز مشهوری است که ابوالقاسم حالت نوشته است.